

دیوان رودکی

www.ketab.ir

انتشارات آریا اندیش

تهران - ۱۳۹۰

زندگینامه

در اواسط قرن ۳ هجری قمری در آن هنگام که مبارزه ۲۰۰ ساله سیاسی و آزادیخواهی مردم تاجیک و دیگر مردمان ماوراءالنهر خراسان بود. در یکی از شهرهای خوش آب و هوا و خوش منظره کوهستانی رودک پنج رود، در یک روز بهار که همه جا پر از گل و نسیم بهاری بود کودکی بنام ابو عبدالله جعفر بن محمد تولد یافت. که به سال ۲۰۶ هجری قمری بود. از اوضاع و وضع خانوادگی اش اطلاع دقیقی در دست نیست. اما همانگونه که از اشعارش بر می آید پدر و مادرش از طبقه پایین جامعه اند و خود نیز دوران کودکی را به سختی می گذراند رودکی شاعر استاد قرن ۴ است که او را به سبب مقام بلندش در شاعری و به علت پیشوایی پارسی گویان و آغازیدن بسیاری از انواع شعر پارسی به حق «استاد شاعران» لقب داده اند. ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی، شاعری استاد در شعر و موسیقی می باشد که از ولایت سمرقند قریه بزج مرکز رودک دانسته اند. رودکی دارای ذهنی خلاق و فعال و تیزفهم بود چنانکه خدای حکیم در ۸ سالگی به او صدایی خوش و سیمایی زیبا هدیه نموده بود و به سبب صدای زیبایش مطربی

می‌کرد. و از استاد زمان خود ابوالعبک بختیار که بریط می‌نواخت مستفیذ شد. تا آنجا که در این صنعت به استادی رسید و آوازه‌اش به اطراف و اکناف رسید و امیر نصر بن احمد سامانی که امیر خراسان بود او را به نزدیکی خویش فرا خواند و کارش بالا گرفت. با اینکه رودکی شاعری روشن دل بوده اما اشعارش چنان زیبا و دل‌انگیز است که هر شنونده‌ای را محسور خود می‌کند. گویند: رودکی در قسمتی از زندگانی خود بینا بوده و بعد به علتی که بر ما معلوم نیست نابینا شده است چنانکه محمود بن عمر بخارایی در کتاب *بساتین الفضلاء* و ریاحین *العقلاء فی شرح تاریخ العقبی* که به سال ۷۰۹ هجری تألیف شده بر اینکه رودکی در آخر عمر نابینا شده هم عقیده بوده‌اند. رودکی نزد همه شاعران و ادیبان معاصر خود در خراسان و ماوراءالنهر به عظمت مقام شاعری شناخته و توصیف شده است. بعد از او نیز بسیاری از شاعران بزرگ مانند: دقیقی، کسائی، فرخی، عنصری، رشیدی سمرقندی، نظامی عروضی او را به بزرگی و مرتبت ستوده و بسا که از او به عنوان استاد شاعران و سلطان شاعران یاد کرده‌اند. رودکی در زمان حیاتش دو سفر داشته است. نخستین سفر او از سمرقند به بخارا بوده است که به قصد ورود به دربار سامانیان انجام گرفته بود. سفر دوم معروف او همراه با امیر نصر سامانی می‌باشد پس از اینکه به هری می‌رسد امیر به آنجا دل می‌بندد و ۴ سال در آنجا اقامت می‌کند. تا اینکه اطرافیان دست به دامن رودکی می‌شوند و از او می‌خواهند تا با خواندن شعری امیر را به

بازگشت ترغیب کند. و رودکی قصیده بوی جوی مولیان را می خواند و امیر چنان تحت تأثیر این شعر قرار می گیرد که همان لحظه سوار بر اسب شده و به سمت بخارا می تازد:

بوی جوی مولیان آید همی	یاد یار مهربان آید همی
ریگ آموی و درشتی راه او	زیر پایم پرنیان آید همی
آب جیهون از نشاط روی دوست	خنک ما را تا میان آید همی
اسب ما را زارزوی روی او	زیران جولان کنان آید همی
از که جویم وصل اوکز هر طرف	می نفیر عاشقان آید همی
ای بخارا شاد باش و دیرزی	میرزی تو شادمان آید همی
میر ماه است و بخارا آسمان	ماه سوی آسمان آید همی
میر سرو است و بخارا بوستان	سرو و سوی بوستان آید همی
آفرین و مدح سود آید همی	گر به گنج اندر زیان آید همی

سبک و افکار رودکی

رودکی در فنون سخن و انواع شعر مانند: قصیده، رباعی، مثنوی، قطعه، غزل، مهارت داشته و از همه آنها به خوبی کامیاب گردید و مخصوصاً در قصیده سرایی پیشرو دیگران بود می توان گفت او نخستین شاعر بعد از اسلام است که قصیده عالی و محکم ساخته و اشعار حکیمانه به یادگار نهاده اوست. رودکی برای شاهان سامانی شعر می سرود و آن را به آواز می خواند و با چنگ می نواخت. یکی از آثار

مهم رودکی منظومهٔ کلیله و دمنه بود که اصل آنرا ابن مقفع دانشمند ایرانی از عربی به پهلوی نقل کرده این منظومه از میان رفته و فقط ابیاتی از آن باقی مانده است. و دیگری سندباد نامه است که از آنها اشعاری پراکنده باقی است. کلیله را به تشویق ابوالفضل بلعمی تنظیم کرد که می‌توان آن را مهمترین اثر نظم این شاعر به حساب آورد که این دو بیت از اوست: معروف است به سوگ پیری

من موی خویش را نه‌از آن می‌کنم سیاه تا باز نوجوان شوم و نوکنم کناه
چون جامه‌نابه وقت مصیبت سیه‌کنند من موی در مصیبت پیری کنم سیاه

وفات رودکی به سال ۳۲۹ هجری نوشته‌اند که در پنج ده درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد